



# تبیین مبانی نظری تربیت دینی براساس سند تحول بنیادین

دکتر محمود معافی

بین مربی (معلم) و متربی (دانش‌آموز) که به دنبال زمینه‌سازی در جهت تکوین و تعالی فطرت انسان و شکل‌گیری هویت متربیان براساس نظام معیار اسلامی و هدایت آن‌ها در جهت قرب الهی و کسب شایستگی‌های لازم در همه ابعاد و مراتب حیات طیبه فردی و اجتماعی است.»

برای درک بهتر این تعریف لازم است که مفاهیم کلیدی مندرج در آن را تبیین و تشریح کنیم:

**فرایند:** اشاره به صیورورت مداوم آدمی در طول حیات و تأثیرپذیری آن از عوامل گوناگون، مانند مدرسه و عملکردهای آن، خانواده، گروه دوستان، محیط اجتماعی، اعتقادات و باورها و نظام خلقت دارد، فرایند تربیت امری مستمر، تدریجی، هدفمند، تعاملی، یکپارچه، پویا و انعطاف‌پذیر است که باید متناسب با مراحل تحول وجودی افراد و توسط عوامل گوناگون پشتیبانی و تقویت شود.

**تعامل:** فرایند تربیت را باید تعاملی دوسویه بین دو عنصر فعال، یعنی معلم و شاگرد دانست که در آن، علاوه بر ایجاد مقتضیات و برداشتن موانع، لازم است که حضور فعال متربیان (شاگردان) را در این حرکت و کوشش اختیاری و آگاهانه برای استفاده مناسب از آموزش مورد توجه قرار داد. لازم است که در این تعامل دوسویه به این نکته توجه داشت که مربیان با متربیان از نظر شایستگی‌ها در یک سطح قرار ندارند. در این فرایند، گام نخست و محوری را مربیان برمی‌دارند، اما با عنایت به اراده آزاد آدمی، مربیان در این فرایند برای رسیدن به نتایج موردنظر، فعال ما یشاء نیستند، بلکه گام‌های ضروری و محوری دیگری نیز باید از سوی متربیان برداشته شود.

قبل از آنکه درخصوص هشدارهای تربیتی در انتخاب یا تولید محتوای مواد آموزشی، اعم از مکتوب و یا الکترونیکی، بحث کنیم، لازم است که مفهوم تربیت را با توجه به اسناد بالادستی آموزش و پرورش، نظیر مبانی نظری «سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» تبیین کنیم.

با اینکه تعریف «تربیت» از منظر اسلام، علی‌الاصول تمام تدابیر و تلاش‌های زمینه‌ساز تحول آگاهانه و اختیاری همه ابعاد وجودی آدمی را دربرمی‌گیرد، و در این زمینه تدابیر و افعال خداوند تعالی نسبت به انسان، مهم‌ترین و بلکه کامل‌ترین مصداق تربیت آدمی تلقی می‌شود. لیکن طبق تعریف سنتی، تربیت تنها شامل آن دسته از تدابیر و فعالیت‌های اجتماعی هدفمندی است که از سوی انسان‌های نسبتاً رشدیافته (معلمان) به منظور رشد و اصلاح پایدار و همه‌جانبه مخاطبان گوناگون و به صورت‌های متفاوت در طول دوران تحصیل آن‌ها انجام می‌شود.

مشاهده می‌کنیم که چنین تعریفی آن دسته از تدابیر و اعمال اصلاحی انسان‌ها نسبت به خویشان یا به عبارت دیگر، خودسازی و تهذیب‌نفس را که اهمیت بالایی در تربیت اسلامی دارد، شامل نمی‌شود. و از این نظر این تعریف نقص دارد.

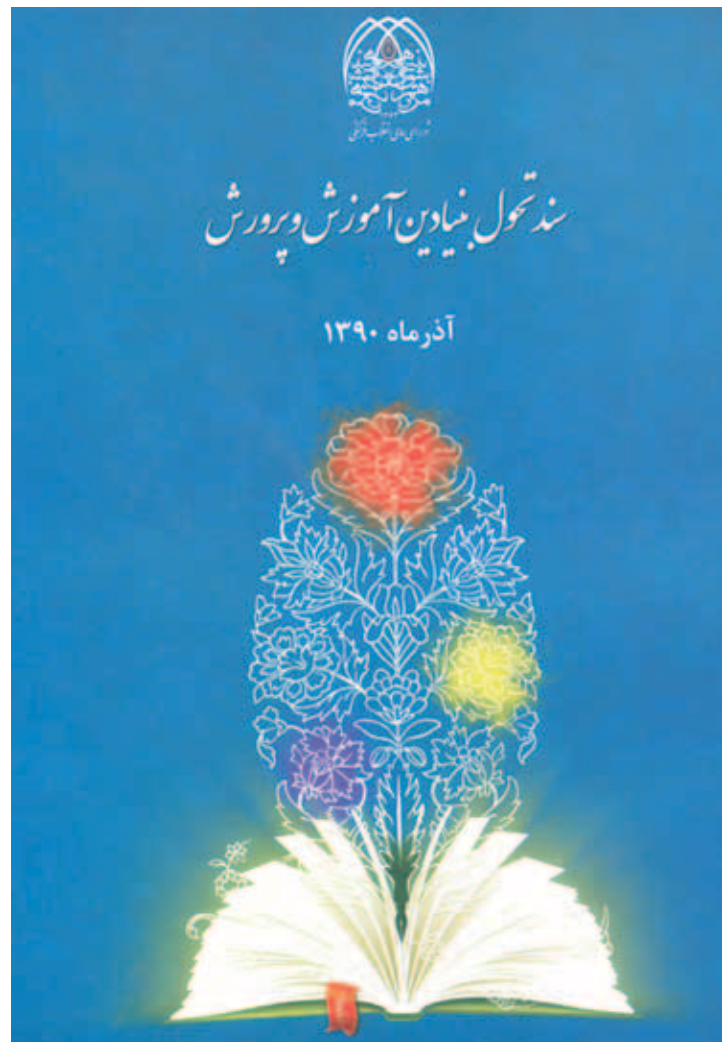
در تعریفی که ما از تربیت ارائه خواهیم کرد، تلاش می‌شود که به همه ابعاد آن با توجه به فرایندها و نتایج یادگیری مورد انتظار براساس نظام معیار اسلامی توجه شود. با عنایت به ویژگی‌های تعریف جامع و مانع از تربیت و براساس دیدگاه اسلامی، تربیت را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی

یا با تجربه باشند. آن‌ها در هر حال نیاز دارند که تجربیات خود را توسعه بخشند.

**تکوین و تعالی فطرت و هویت متریبان:** زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی فطرت و هویت دانش‌آموزان به طراحی و تولید برنامه‌ها و اجرای مجموعه‌ای از تدابیر و اعمال هماهنگ، سنجیده و حساب‌شده از سوی برنامه‌ریزان و معلمان نیاز دارد. زمینه‌سازی هم جنبهٔ ایجابی دارد و هم جنبهٔ سلبی. جنبهٔ ایجابی به الزامات، ضرورت‌ها و بایدها، و بُعد سلبی به رفع یا دفع موانع درونی و بیرونی تکوین و تعالی انسان توجه می‌کند.

فطرت به سرشت الهی انسان اشاره دارد. از آنجا که حقیقت انسان چیزی جز روح نیست، فطرت با توجه به آموخته‌های اولیه و معرفت حضوری به خداوند، میل به پرستش خداوند، کشف و درک خود حقیقی یا هدایت الهی خویش، حقیقت‌جویی، کنجکاوی، خلاقیت، درک رمز و راز هستی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌دوستی، عدالت‌خواهی و نفی ظلم، پاکدامنی، عفو و بخشش، علم‌جویی و سایر فضایل دارد. فطرت مفهومی است که در برابر غریزه یا کشش‌های طبیعی قرار دارد. فطرت آدمی به دلیل آنکه سالم و بکر است، وضعیتی همچون بذر گیاهان دارد و نیازمند فراهم شدن عوامل خارجی برای ظهور و به فعلیت رسیدن و شکوفایی است. فطرت آدمی ممکن است که شکوفا شود (هرگاه شرایط فراهم باشد) و یا به فراموشی سپرده شود (هرگاه با موانعی روبه‌رو شود). با این حال هیچ‌گاه به‌طور کامل در انسان‌ها از بین نمی‌رود.

انسان با توجه به شوق فطری، جویندهٔ همهٔ مراتب کمال (تاحد بی‌نهایت) است. البته کمال‌طلبی انسان مراتبی دارد و حرکت در این مسیر، از کمالات طبیعی آغاز می‌شود و به سوی مراتب بالاتر و معنوی پیش می‌رود. بنابراین، هم توجه به کمالات طبیعی (نظیر نیازهای جسمانی و تلاش برای برآوردن آن‌ها به صورت معقول) لازم است، و هم ادامهٔ حرکت به سوی مراتب بالاتر کمال با توجه به فطرت بی‌نهایت طلب انسان امری کاملاً معقول به نظر می‌رسد. هویت انسان ترکیبی از باورها، بینش‌ها، گرایش‌ها، تصمیمات و اعمال فردی و جمعی است که به تدریج شکل می‌گیرد. هویت با توجه به شئون گوناگون حیات انسان دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی است. این جنبه‌ها از یکدیگر استقلال ذاتی ندارند و در جریان تکوین و تعالی در تعامل با یکدیگر می‌توانند موجودیتی یکپارچه و وحدت‌یافته را تشکیل دهند. به عبارت دیگر، هویت حقیقت واحدی در عین کثرت است. بنابراین آدمی دارای دو هویت است: هویت فردی و هویت جمعی. هویت فردی ناظر بر بعد اختصاصی وجود انسان است و هویت جمعی ناظر بر بعد مشترک زندگی آدمی با دیگر انسان‌هاست. انسان به دلیل برخورداری از عقل، و اراده می‌تواند خود را از حل شدن در دیگران حفظ کند. اما به دلیل هویت جمعی می‌تواند با دیگران داد و ستد اجتماعی کند و احساس تعلق و هم‌بستگی با



**متریبان (دانش‌آموزان):** مخاطبان اصلی فرایند دوسویهٔ تربیت هستند و از استعداد و توانایی بالقوه برای حرکت آگاهانه و اختیاری به سوی مراتب کمال برخوردارند. از آنجا که متریبان هر پایه یا دورهٔ تحصیلی شایستگی‌های لازم را برای درک و بهبود موقعیت خود ندارند، به راهنمایی و مساعدت دیگران از جمله معلم و برنامه‌های درسی نیازمند هستند.

متریبان به لحاظ زمینه‌های فرهنگی، شرایط محیطی، تجربه و استعداد با یکدیگر متفاوت هستند.

**مربیان (معلمان):** مجموعه‌ای از افراد نسبتاً رشدیافته، دلسوز و خیرخواه که از شایستگی‌های فردی و جمعی برخوردارند و مراتب قابل توجهی از حیات طیبیه را در خود بروز و ظهور داده‌اند (یا حداقل انتظار می‌رود که اینگونه باشند) و به همین علت، مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه‌سازی رشد ابعاد وجودی افراد به آن‌ها واگذار شده است. مربیان ممکن است که مبتدی (تازه‌کار) و

آن، تحصیل کمالات لازم برای رسیدن به مقام قرب است. مراد از قرب، نزدیکی زمانی و مکانی نیست، بلکه مقصود از آن رابطه حقیقی (واقعی) بین خدا و انسان است که در نتیجه آن، استعدادهای فطری و معنوی در فرد شکوفا می‌شود. روح انسان در اثر باور به خدا و اعمالی مشخص با خداوند رابطه‌ای وجودی برقرار می‌کند و در نتیجه مراتب کمال در وجود انسان محقق می‌شود. این ارتباط واقعیتی تکوینی است، ولی حصول به آن امری اختیاری و اکتسابی است. ارتباط با خداوند امری دارای مراتب و درجات مختلف است که در نتیجه تربیت می‌تواند به‌طور مداوم تشدید شود و در صورت غفلت از تربیت و تلاش درونی تنزل یابد.

**شایستگی‌های لازم در ابعاد فردی و اجتماعی:** منظور از «شایستگی» ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، ایمانی، ارادی، عملی، علمی و اخلاقی) است که متریبان در جهت درک و عمل برای بهبود مستمر موقعیت خود (برای دستیابی به مراتب حیات طیبیه) باید آن‌ها را کسب کنند. شایستگی‌ها را می‌توان برحسب سطح و لزوم کسب آن‌ها توسط عموم افراد جامعه به دو گروه «شایستگی‌های پایه» و «شایستگی‌های ویژه» تقسیم کرد.

**شایستگی‌های پایه** آن دسته از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها هستند که متریبان باید آن‌ها را برای وصول به مرتبه‌های لازم از آمادگی عمومی به‌منظور تحقق حیات طیبیه کسب کنند. ولی **شایستگی‌های ویژه** آن گروه از صفات و توانمندی‌ها هستند که در سطحی بالاتر از سطح مورد انتظار از آمادگی همگان به منظور تحقق حیات طیبیه لازم است و افراد برحسب علاقه و استعداد فعلیت یافته خود و نیازهای جامعه می‌توانند آن‌ها را کسب می‌کنند. مهم‌ترین شایستگی‌های پایه و مشترک که برنامه‌های درسی در دوره‌های گوناگون تحصیلی باید دنبال کنند، عبارت‌اند از:

#### الف) عنصر تعقل و تفکر

- درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
- بصیرت نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
- تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به‌عنوان خالق هستی؛
- تدبیر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن.

#### ب) عنصر ایمان و باور

- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛

مردم جامعه خود داشته باشد. در عین حال، داشتن هویت جمعی اراده آدمی را از او سلب نمی‌کند.

هویت دارای انواع و لایه‌های متفاوتی است. این انواع در عین تمایز، با یکدیگر هم‌پوشی نیز دارند. مهم‌ترین انواع هویت، در وجه جمعی آن عبارت‌اند از: هویت‌خانوادگی، هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی/ مذهبی و هویت انسانی، و در وجه فردی عبارت‌اند از: هویت شخصیتی، هویت جنسیتی و هویت حرفه‌ای یا شغلی. در میان این جنبه‌ها هویت انسانی و هویت دینی / مذهبی ناظر بر معرفت و باور به حق تعالی و برقراری ارتباط با او در همه شئون زندگی است و بین سایر جنبه‌های هویت نقش محوری و وحدت‌بخش دارد.

**نظام معیار اسلامی:** مقصود از «نظام معیار» مجموعه‌ای منسجم

از مبانی و ارزش‌های برگرفته از منابع معتبر دین حق (اسلام) است. پذیرش این مجموعه از معیارها و رعایت علمی آن در همه ابعاد و شئون زندگی، وجه تمایز اساسی حیات طیبیه از زندگی رایج غیردینی (سکولار) است. باید توجه داشت که نظام معیار اسلامی مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌های ناظر بر همه ابعاد زندگی انسان است که نه تنها همه آن‌ها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش

برخی از ارزش‌های اخلاقی و اساسی این نظام معیار، متوقف به شناخت و انتخاب دین حق است (زیرا عقل سالم و فطرت الهی فعال در وجود هر انسان نسبت به این‌گونه ارزش‌ها به‌طور مستقل حکم می‌کند). البته نظام معیار اسلامی به لحاظ فردی در مصادیق انسان کامل (و در نمونه‌اعلای آن پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع)) تجلی عینی و عملی می‌یابد و در بعد اجتماعی نیز جامعه صالح اسلامی با محوریت و رهبری نظام امامت، مظهر تحقق و پیاده‌سازی نظام معیار اسلامی است.

**هدایت در راستای قرب الهی:** «هدایت» جهت‌دهی حرکت آگاهانه و اختیاری افراد جامعه در مسیر دستیابی به هر نوع کمال شایسته‌ای است که بتواند آن‌ها را در راستای غایت زندگی انسان (قرب الی‌الله) و مراتب گوناگون آن قرار دهد. در نگرش اسلامی، هدایت دارای دو وجه است:

۱. ارائه طریق یا راهنمایی افراد به‌سمت مقصد و نشان دادن طریق رسیدن به آن مقصد.
  ۲. رساندن به مطلوب یا کمک برای حرکت آگاهانه و اختیاری در راه رسیدن به مقصد.
- فلسفه توجه به انسان کامل و لزوم قبول ولایت و تاسی به ائمه معصومین به‌دلیل اهمیت این دو (ارائه طریق و رساندن به مطلوب) در امر تربیت آدمی است.
- قرب الی‌الله مصداق اتم غایت زندگی انسان است و مقصود از

**مراد از قرب، نزدیکی زمانی و مکانی نیست، بلکه مقصود از آن رابطه حقیقی (واقعی) بین خدا و انسان است که در نتیجه آن، استعدادهای فطری و معنوی در فرد شکوفامی‌شود**

■ ایمان به انبیای الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین(علیهم السلام) و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر؛

■ باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به‌عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛

■ ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون‌مندی نظام خلقت و باور به زیبایی‌های جهان آفرینش به‌عنوان مظاهر فعل و جلال و جمال خداوند؛

■ ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی‌های جمعی و فردی انسان.

### ج) عنصر علم و آگاهی

■ شناخت خود و ظرفیت‌ها و هویت خویش؛

■ شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛

■ علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان‌ها با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها؛

■ علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی اجتماعی؛

■ علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری، به‌ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛

■ آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛

■ آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمزگردانی آن‌ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و هنر.

### د) عنصر عمل (مهارت)

■ عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛

■ به‌کارگیری ظرفیت‌های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛

■ به‌کارگیری آداب و مهارت‌ها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی؛

■ به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛

■ بهره‌گیری از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی به هویت حرفه‌ای آینده خود به‌صورت مولد و کارآفرین؛

■ بهره‌گیری آگاهانه از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای، بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها؛

■ حفظ و تعالی محیط‌زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی؛

■ به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی

به‌عنوان زبان دین؛

■ به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی و با رعایت تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی.

### ه) عنصر اخلاق

■ رعایت تقوای الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی

■ متعهد به ارزش‌های اخلاقی، از جمله صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن‌داری، رضا، عدالت، قناعت، نوع‌دوستی، و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛

■ ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛

■ ارزشمند دانستن عالم، علم‌آموزی و یادگیری مادام‌العمر؛

■ تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛

■ ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط‌زیست؛

■ التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری‌های نوین (سند برنامه درسی ملی، صفحات ۱۹-۱۶).

### ابعاد و مراتب تربیت و حیات طیبه فردی و اجتماعی: حیات

طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب الی‌الله خواهد شد. این‌گونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید براساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار و متناسب با دین اسلام انتخاب شود. تأمل در مفهوم کلیدی حیات طیبه نشان می‌دهد که حیات طیبه اگرچه مفهومی یکپارچه و کلی است، اما دربردارنده شئون و جنبه‌های متعددی است که در ارتباط و تعامل با یکدیگر این مفهوم پویا را تکامل می‌بخشند. از آنجا که این شئون استقلال نسبی دارند و علاوه بر این، انتظارات مشخص (وضعیت‌های مطلوب برای هریک از آن‌ها) زمینه‌های مناسب تحقق آن‌ها را با عنایت به خصوصیات همین جنبه‌ها فراهم می‌کند، بدین لحاظ تربیت را متناسب با این شئون می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

**تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی:** ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شئون اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه.

**تربیت اجتماعی و سیاسی:** ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شئون اجتماعی و سیاسی حیات طیبه.

حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب الی‌الله خواهد شد



تولید شود. مقاصد هر یک از این مواد، دانش‌افزایی و یا مهارت‌آموزی است. هدف تولید هر چه که باشد، باید پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان باشد. توجه به ملاحظات چون توسعه دانش پایه، تقویت توانایی عقلانی، تصحیح بدفهمی‌ها، چیرگی در کسب مفاهیم و مهارت‌ها (یادگیری در حد تسلط)، حل مشکلات یادگیری، غنی‌سازی مفاهیم درسی، حل مشکلات تدریس، انتخاب روش آموزش مناسب با یادگیری یک مفهوم و یا مهارت، از جمله ملاحظات هستند که باید در انتخاب محتوا مورد توجه قرار گیرند.

### ۳. تقویت گرایش‌های فطری و کمک به شکل‌گیری هویت

مخاطبان انتظار دارند که مواد آموزشی پاسخ‌گوی یک یا چند مورد از نیازهای آن‌ها باشد. برای مثال، با مطالعه یک کتاب احساس کنند که به یکی از نیازهای آن‌ها در بعد سلامتی، عاطفی، معنوی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، علمی، فلسفی و یا اجتماعی پاسخ داده شده است. موقعیت آن‌ها از حالت ایستای قبلی به وضعیتی پویاتر تبدیل شده است و یا دانش یا مهارت جدیدی را کسب کرده‌اند، به شناخت بهتری از خود دست یافته‌اند، رازهای ناشناخته جدیدی برای آن‌ها معلوم شده، هویت خود را کشف کرده‌اند و بین جهان درون و بیرون آن‌ها پیوستگی بیشتری به وجود آمده است.

### ۴. توجه به نظام معیار اسلامی

از آنجا که دین تبیین‌کننده آیین حیات طیبه و نظام ارزشی و تعیین‌کننده سبک زندگی پاک و سالم است، در انتخاب محتوای مواد آموزشی، توجه به مبانی آموزه‌های دینی مانند قرآن، سنت پیامبر (ص) و معصومین، ارزش‌های اسلامی، عقل و اجتهاد و پیوند بین علم و دین ضروری است. این کار موجب می‌شود که مخاطبان همواره نگاهی فرامادی به جهان پیدا کنند، بدون آنکه از مناسبات علت و معلولی و ارتباطات و قانونمندی‌های جهان مادی غفلت ورزند.

### ۵. هدایت در راستای قرب الهی

خداوند متعال رب‌العالمین (مربی و تکامل‌بخش جهان)، علت و مقصد جهان و خیرمطلق است. شأن تنزیل کتاب‌های آسمانی (مهم‌ترین مواد آموزشی مکتوب و هدایتگر) رساندن انسان به مقام قرب الهی بوده است. بدین لحاظ شایسته است که مواد آموزشی نیز به تسهیل این هدف کمک کنند، زیرا در حالت قرب است که شکوفایی معنوی و عقلانی برای انسان حاصل می‌شود و زمینه برای تحقق تربیت واقعی فراهم می‌آید. قرب الهی ابعاد متفاوتی دارد؛ برای مثال، «قرب معنوی» که در نتیجه تهذیب نفس و پالایش درون کسب می‌شود، و «قرب اخلاقی» که در نتیجه عمل به وظایف در قبال خود، خانواده، دیگران، خداوند و نظام هستی حاصل می‌شود،

**تربیت اقتصادی و حرفه‌ای:** ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شئون اقتصادی و حرفه‌ای حیات‌طیبه.

**تربیت علمی و فناوری:** ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شئون علمی و فناوری حیات‌طیبه.

**تربیت هنری و زیبایی‌شناختی:** ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن زیبایی‌شناختی و هنری حیات‌طیبه.

شایان ذکر است که تربیت در همه ساحت‌های یادشده، معطوف به تکوین و تعالی هویت متریبان به‌طور یکپارچه و با توجه به همه عناصر اساسی هویت (معرفت، باور، میل، اراده، عمل و تکرار آن) و در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن است که با درک موقعیت خود و دیگران و عمل صالح فردی و جمعی، برای بهبود پیوسته آن براساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی تحقق می‌یابد.

**با توجه به مفهوم تربیت و با عنایت به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی شایسته است که در تدوین مواد آموزشی هشت اصل عمومی زیر مورد توجه قرار گیرند:**

### ۱. توجه به فرایند یادگیری و تعامل با مخاطب

یادگیری فرایندی دوسویه بین مربی و متربی و مخاطب با ماده آموزشی است. جریان آموزش، فرایندهای ذهنی خاص خود را دارد که در جریان یادگیری باید تقویت شوند. هر یک از دانش‌آموزان سبک یادگیری خاص خود را دارد و بر این اساس می‌توان دانش‌آموزان را به سه گروه دیداری، شنیداری و حرکتی تقسیم کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در نیمی از افراد رجحان یادگیری با حس بینایی، در ۳۵ درصد لمسی - جنبشی و در ۱۵ درصد شنیداری است. بدین لحاظ، به‌منظور درک عمیق‌تر مفاهیم و ایجاد پیوند بین دو نیم‌کره مغز، لازم است در مواد آموزشی از نقاشی، طراحی، تکلیف، کار عملی، جدول، نمودار، نقشه و تصویر (سوزا دیوید، ۱۳۹۰) استفاده شود. از سوی دیگر، سازمان محتوا نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که فرد در جریان یادگیری فعال شود و خود به ساختن دانش بپردازد. توجه به نیازهای مخاطبان در سنن مختلف و تفاوت‌های آن‌ها در یادگیری، از دیگر نکاتی است که در تولید مواد آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

### ۲. شناخت متربی (دانش‌آموز) و مربی (معلم)

مواد آموزشی ممکن است که برای معلم و یا برای دانش‌آموز

از آنجا که دین تبیین‌کننده آیین حیات طیبه و نظام ارزشی و تعیین‌کننده سبک زندگی پاک و سالم است، در انتخاب محتوای مواد آموزشی، توجه به مبانی آموزه‌های دینی مانند قرآن، سنت پیامبر (ص) و معصومین، ارزش‌های اسلامی، عقل و اجتهاد و پیوند بین علم و دین ضروری است

و یا «قرب علمی و عقلانی» که در نتیجه مطالعه، تحقیق و تفکر به دست می‌آید. تولید محتوای هدایت‌گرانه، آثاری که حاوی پیام‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی راهگشا باشد، اثری فلسفی که از عقل، دل و وحی استفاده می‌کند و به مخاطب در گشودن معنای وجود و رمز هستی کمک می‌کند، و یا علمی که گرهی از مشکلات بشر می‌گشاید، همگی می‌توانند تلاشی در سوق دادن مخاطب در نیل به قرب الهی باشند.

## ۶. تقویت شایستگی‌های پایه

مواد آموزشی متفاوت از قبیل کتاب‌های درسی، کتاب‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی، فیلم‌ها و سی‌دی‌ها، و کتاب‌های کار و ارزشیابی، ابزارهای پشتیبان از برنامه‌های درسی و تربیتی هستند که هر کدام تحقق بخشی از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های ویژه را با راهنمایی و هدایت معلم برعهده دارند. کم‌توجهی به شایستگی‌های پایه و یا شایستگی‌های ویژه، خطر کجروی از مقاصد تربیت را به دنبال دارد. شایستگی‌های پیش‌بینی‌شده که ذیل پنج عنصر تربیتی در سند برنامه درسی ملی سازمان‌دهی شده‌اند، هر یک بخشی از پایه‌های اساسی تربیت را می‌سازند. ترکیب این شایستگی‌ها ارزش افزوده‌ای را به وجود می‌آورد که حاصل آن حکمت، خلاقیت، عروج انسانیت و نیل به معرفت حقیقی و شکوفایی فطرت الهی انسان است.

## ۷. توجه به عناصر پنج‌گانه تربیتی و ایجاد پیوند بین این عناصر

مقصد کلی برنامه‌های درسی تربیت انسان متفکر، مؤمن، عالم و آگاه، عامل و متخلق به اخلاق حسنه است. هریک از این عناصر به تنهایی و در ترکیب با یکدیگر از اهمیت فراوانی برخوردار است. این عناصر مورد تأکید نظریه‌پردازان درسی مختلف است. «تفکر» پردازش ذهنی بر روی اطلاعاتی است که از طریق مشاهده کردن، خواندن، تجربه کردن، شنیدن، بحث و گفت‌وگو و یا شهود وارد ذهن می‌شود و سرانجام به کشف موضوعات جدید می‌انجامد. «تعقل» قضاوت براساس نظام معیار و تشخیص راه درست از نادرست است. نظریه رشد فرایند شناختی در برنامه درسی بر این مهم تأکید دارد.

مغز انسان برای تفکر در سطوح متفاوتی از ساده تا پیچیده طراحی شده است. تمرین‌هایی که بر حفظ کردن و یا پیدا کردن یک پاسخ تأکید دارند، تفکر ساده و یا هم‌گرا را تقویت می‌کنند. در حالی که تمرین‌هایی که براساس تحلیل و ترکیب، قضاوت و داوری و یا کاربست یک یافته در موقعیتی جدید طراحی می‌شوند، نه تنها سطوح پیچیده‌ای از تفکر را تقویت می‌کنند، بلکه به افزایش توانایی قدرت خلاقه انسان (تفکر واگرا) منجر می‌شوند. توجه به پرورش انواع مهارت‌های ذهنی این فرصت را برای فرد فراهم

می‌کند که انواع هوش در پردازش اطلاعات ذهنی درگیر شوند. انسان در عرصه زندگی ناچار از به‌کارگیری هوش‌های گوناگون است تا بتواند مشکلات معیشتی و یا دغدغه‌های دانستن خود را حل کند. وقتی سطوح متفاوتی از اطلاعات و شناخت، درگیر در فرایندهای ذهنی می‌شوند؛ هوش‌های دیگر نیز به صحنه کار و عمل فراخوانده می‌شوند.

«کسب علم و آگاهی» عنصر دیگری از تربیت است و قلمرویی را به پهنه هستی، از انسان گرفته تا خداوند و از جوامع انسانی گرفته تا همه مراتب خلقت و نظامات آن را شامل می‌شود. علم هم اندیشه‌محور است و هم انسجام‌محور؛ هم خصلت پویا دارد و هم صبغه جهانی. موضوع و روش تحقیق در قلمروهای علمی مشخص است و از طرفی نتایج آن در زندگی کاربرد دارد. علم می‌تواند به استحکام عقلانی دانش‌آموزان کمک کند. در صورتی که بر معنویت استوار باشد و از طرفی می‌تواند به منزله داریستی برای عروج انسان عمل کند.

«ایمان» عنصر دیگری از تربیت است و آخرین مرحله رشد عاطفی محسوب می‌شود. ایمان حاصل علم و تفکر است که به انسان فهمی معنادار و شهودی از نظام هستی و شعوری ماورایی می‌بخشد. تقویت ایمان از پیدایش احساس پوچی و عدم پیوند انسان با هستی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا موقعیت خویش را در رابطه با زندگی دریابند. ایجاد پیوند بین دنیای درون و بیرون، و دنیای فیزیکی و دنیای معنوی موجب می‌شود تا فرد به آگاهی‌های شهودی و فراحسی دست یابد و مقصود و معنای زندگی را درک کند. نیل به چنین هدفی تنها وظیفه درس دینی نیست، بلکه همه برنامه‌های درسی با درجات متفاوتی از تعهد می‌توانند به تحقق این هدف کمک کنند.

مدارس ما امروزه چنان خود را مشغول انتقال اطلاعات شناختی کرده‌اند که از ترس‌ها، نگرانی‌ها، دغدغه‌های روحی و حیرتی که جوانان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، غافل شده‌اند. با این حال جوانان در حالی که با مشکلات خاص جوانی و معضلات آن دست و پنجه نرم می‌کنند، همچنان در جست‌وجوی معنای زندگی و پیدا کردن خود هستند. **سولومون و هانتز** (۲۰۰۲)، به نقل از **رئیس‌دانا** معتقد هستند که «برنامه درسی و معنویت باید دست به دست هم بدهند تا ظرفیت درون انسان‌ها را شکوفا کنند». معنویت در اصل روح تعلیم و تربیت است و در زمان ما باید به این سؤالات اساسی پاسخ دهد:

- مقصود از زندگی چیست و ما چه هدفی داریم؟
- ما علم یاد می‌گیریم تا چه کنیم؟
- انسان کیست و چرا انسان‌ها تا این حد تنها و سردرگم هستند؟
- چرا انسان‌ها از یکدیگر متنفرند و یکدیگر را می‌کشند؟
- چرا باید زمین خود و منابع آن را نابود کنیم؟

**خانواده‌ها گاه موفقیت تحصیلی و یا قبولی در کنکور فرزندان خود را مهم‌تر از کسب فضایل اخلاقی می‌دانند. مواد آموزشی گاه از آموزش وظایف گسترده زندگی و مسئولیت‌های آن غافل می‌شوند؛ وظایفی که ما در برابر خود، خانواده، همسایگان، جامعه، خدا و یا زمین و موجودات آن داریم**

- چه عواملی از آدم‌هایی که با فطرت پاک متولد می‌شوند، شیطان می‌سازند؟
- چگونه می‌توان انسان‌ها را حول محور خدا متحد کرد؟
- کدام انسان‌ها و کدام نظام‌ها می‌توانند صلحی پایدار در زمین ایجاد کنند؟

■ چگونه می‌توان پیروان مذاهب را به یکدیگر نزدیک کرد، آن‌گونه که انسان‌ها به‌خاطر سعادت یکدیگر جان خود را فدا کنند؟

«عمل» بعد دیگری از تربیت است. پیوند نظر و عمل و آموزش‌های مدرسه‌ای با زندگی موجب معنادارشدن آموخته‌ها می‌شود و موجب می‌شود که دانش‌آموزان افرادی کاملاً فعال و کنشگر تربیت شوند. توجه به روش‌های تحقیق در هر علم، بعد دیگری از عمل است. تحقیق دانش‌های اولیه را به دانش‌های نو و مرزهای علم نزدیک می‌کنند و پیوند آن‌ها با زندگی، از شکل‌گیری احساس بیهوده بودن یادگیری موضوعات علمی محض جلوگیری می‌کند.

«اخلاق» محور اساسی و یا شاید مقصد غایی تربیت اسلامی است. دانش‌آموزان به‌دلیل ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی مدام در معرض نوسانات عاطفی هستند. یادگیری فعل اخلاقی بر سه پایه شناخت، عواطف و موضع‌گیری‌های تنی - حسی استوار است. هر حوزه یادگیری دارای پیام اخلاقی خاصی است. ورزش، کار، علوم تجربی، دین، مهارت‌های زندگی، فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا هر کدام به‌گونه‌ای با اخلاق سروکار دارند و لازم است که انواع آن را تقویت

کنند مانند اخلاق ورزشی، کاری زیست محیطی، دینی، اجتماعی و اخلاق عالی الهی دانش‌آموزان به‌دلیل خصیصه جوانی دوست دارند هر چیزی را از نو تجربه کنند و مداوم در حال شکستن مرزهای اخلاق هستند. کارکردهای پنهان مدرسه و یا تأثیر همسالان نیز ممکن است که دانش‌آموزان را به‌سمت لغزش‌های اخلاقی سوق دهد.

خانواده‌ها گاه موفقیت تحصیلی و یا قبولی در کنکور فرزندان خود را مهم‌تر از کسب فضایل اخلاقی می‌دانند. مواد آموزشی گاه از آموزش وظایف گسترده زندگی و مسئولیت‌های آن غافل می‌شوند؛ وظایفی که ما در برابر خود، خانواده، همسایگان، جامعه، خدا و یا زمین و موجودات آن داریم. در چنین شرایطی رشد تفکر، کسب ایمان راستین، کسب فضایل اخلاقی، و تلفیق علم و عمل بهترین توصیه‌ای است که تولیدکنندگان مواد آموزشی می‌توانند دنبال کنند.

#### منابع

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰) شورای عالی آموزش و پرورش.
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، شورای عالی آموزش و پرورش
۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، شورای عالی آموزش و پرورش
۴. دیوید، سوزا (۱۳۹۰). مدیریت یا رهبری آموزشی. ترجمه دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا. انتشارات عابد. تهران.
۵. میلر، جی. پی (۱۳۷۹). نظریه‌های برنامه درسی. ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی. انتشارات سمت. تهران.

